



عکس:غیرانتیلی

گفت‌وگو با دکتر محمدرضا بهشتی

اندیشمندی که فراتر از زمانه خود می‌اندیشید

۴ ویژگی که آیت‌الله بهشتی را «متفکر معاصر» نسل امروز ما می‌کند

مهسا رضانی
خبرنگار

شهید آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی از آن دست متفکران اثرگذار در جغرافیای فکری جامعه ما است که ضمن تلاش برای اعتلای تفکر در جامعه، خود را به حیطه نظر محدود نکرد و کوشید تا اندیشه‌هایش را به میدان عمل آورد. او از معدود متفکرانی است که میان نظر و عمل پلی ایجاد می‌کند و از این رو، می‌توان او را «متفکری کنشگر» خواند. شهید آیت‌الله بهشتی، بواسطه دغدغه‌های اجتماعی و سیاسی‌اش از توجه‌های سیاسی و حقوقی (بواسطه تدوین قانون اساسی) هم برخوردار است. در این فضا، این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که امروزه باید از کدام بهشتی حرف زد؟ بهشتی به مثابه یک «حقوق‌دان»، بهشتی به مثابه یک «فعال سیاسی» یا بهشتی به مثابه یک «متفکر»؟ نسل امروز با کدام بُعد از شخصیت او بیشتر ارتباط برقرار می‌کند؟ چقدر می‌توان از آیت‌الله بهشتی به مثابه یک «متفکر معاصر» برای نسل امروز یاد کرد؟ «نوع مواجهه نسل امروز با آیت‌الله بهشتی» موضوع گفت‌وگوی ما با دکتر محمدرضا بهشتی، پسر ارشد آیت‌الله شد. محمدرضا بهشتی، استاد فلسفه دانشگاه تهران و به نوعی وامدار دغدغه‌های فلسفی پدر است. آنچه در ادامه می‌آید، ماحصل گفت‌وگوی ما با او است که می‌خوانید:

می‌کرده است.

آیت‌الله بهشتی گذشته از آشنایی بنیادین و خوب با علوم اسلامی و پیگیری تحصیلات جدید تا سطح دانشگاهی و گرفتن دکتری، باز از همان نوجوانی به مسائل اجتماعی علاقه‌مند بوده و با کنجکاوی تحولات جامعه را در دوران پرتلاطم جنگ جهانی دوم که ایران ناخوسته در کوران آن قرار گرفت، دنبال کرده است. ایشان نقل می‌کرد که روزها مسافت قابل توجهی را پیاده طی می‌کرده

است تا در اصفهان به منزل یکی از بستگان خود برود که رادیو داشتند و از این طریق اخبار جنگ را پی می‌گرفته است.

■ می‌دانیم که آیت‌الله بهشتی در سنین جوانی به مرتبه اجتهاد رسیدند. چطور تحصیل علم مانع از فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی ایشان نشد؟

شهید بهشتی پس از انتقال به قم در حدود ۲۴ سالگی به مرتبه اجتهاد می‌رسد و پس از مدت کوتاهی در عین حال که در حوزه به تحصیل و تدریس و تحقیق مشغول بوده، وارد فرهنگ می‌شود و عضو کانون معلمان قم می‌شود و با کانون‌های فرهنگی معلمان و نیز دانش‌آموزان در قم و تهران ارتباط نزدیکی برقرار می‌کند.

شدن صنعت نفت فعلا نه شرکت می‌کند و در تجمع مقابل تلگرافخانه اصفهان سخنرانی مشهوری دارد که منجر به اولین احضار ایشان از جانب رژیم می‌شود. در ماجراهای کودتای ۲۸ مرداد و سپس در دادگاه دکتر مصدق، پیگیر حوادث است.

■ تأسیس «دبیرستان دین و دانش» توسط آیت‌الله بهشتی را می‌توان در راستای دغدغه‌های ایشان برای نسل جوان دانست؟ ایشان با تأسیس «دبیرستان دین و دانش» که خود مدیریت آنجا را بر عهده

می‌گیرد، تجربه‌های جدیدی را با نسل جوان آغاز می‌کند و در همان حال کلاس‌هایی را برای فضایی حوزه قم در همان مدرسه سازماندهی می‌کند تا با علوم جدید آشنا شوند و آموزش زبان آنان را نیز خود برعهده می‌گیرد.

در همان ایام، حلقه مباحثه‌ای با همین فضلاء در خصوص موضوع «حکومت‌اسلامی» تشکیل می‌دهد و سپس مطالعاتی را در زمینه بانکداری و بیمه آغاز می‌کند و برای آشنایی بیشتر به سراغ بیمه‌ها می‌رود. در جریان رویدادهای منجر به ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نقش مهمی را به عهده می‌گیرد و در تماس با انجمن‌های جوانان بازار و هیأت‌های دینی اهل فعالیت‌های اجتماعی، پیوند برقرار می‌کند.

■ آیت‌الله بهشتی مدتی را در آلمان ساکن بودند. دلیل حضور ایشان در خارج از کشور چه بود؟

مرحوم شهید آیت‌الله بهشتی بعد از خروج از کشور و استقرار در آلمان، در فضای اروپا و سپس آمریکا با حرکت فکری جوانان دانشجوی و نیز از طریق مرکز اسلامی هاببورگ با مجامع مختلف دانشگاهی مرادوه علمی داشت.

مرحوم شهید آیت‌الله بهشتی پس از

بازگشت به ایران در فاصله سال‌های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۷ نیز تلاش‌های متعددی از جمله همراه با افراد دیگری در تدوین کتاب‌های درسی تعلیمات دینی و برگزاری جلسات روشنگرانه دارد و سپس در جریان انقلاب تا سال ۱۳۶۰ در شکل‌گیری نظامی جدید در کشور نقش مهمی را ایفا می‌کند.

در همه این سال‌های پرفراز و نشیب عمر ۵۳ ساله شهید بهشتی وجه بارزی که ملاحظه می‌شود «معاصرت» اندیشه‌های او با واقعیت‌های ملموس و انضمامی جامعه ما و پیوند روشنی میان نظر و عمل دیده می‌شود که جمع شدن میان این دو وجه در یک چهره کمتر ملاحظه می‌شود.

■ چه مؤلفه‌هایی باید در یک متفکر وجود داشته باشد که بتوان او را متصف به ویژگی «معاصرت» کرد؟

درگیر بودن اندیشه یک متفکر که در عرصه نظر ژرف‌کاوی می‌کند و در عین حال نسبت خود با جهان روشن را از دست نمی‌دهد و در عین روی آوردن به مسائل انضمامی، در انبوه و رنگارنگی آنها گم نمی‌شود و با افاق بلند در تراز جهانی می‌اندیشد، نشان از «معاصرت» یک متفکر دارد.

بسیاری از تجربه‌ها در عرصه فکری و اجتماعی در زندگی شهید آیت‌الله بهشتی گرد آمده است که موجب می‌شود ایشان از جهت های بسیاری اندوخته‌های ارزشمندی داشته باشد که هنوز برای جامعه ما می‌تواند سرآغازی برای اندیشیدن و نواندیشی باشد. بویژه اینکه ایشان از ذهنی نظم یافته برخوردار بود که موجب انسجام فکری‌شان می‌شد.

■ از نظر شما، چه ویژگی‌هایی در مرحوم آیت‌الله بهشتی وجود دارد که ایشان را به یک متفکر معاصر برای نسل امروز بدل می‌کند؟

چند ویژگی در اندیشه شهید بهشتی ملاحظه می‌شود که قابل توجه است: نخست، «زرف‌نگری» ایشان در مواجهه با موضوعات؛ یعنی به‌جای پرداختن به معلول‌ها به سراغ علت‌ها و ریشه‌ها می‌رود. بسیاری از متفکران در همان لایه نخستین رویارویی با موضوعات باقی می‌مانند و اندیشه‌شان در گره زدن‌های سطحی باقی می‌ماند که هر چند بی‌ثمر نیست، اما موجب گسترش دامنه موضوعات می‌شود، بی‌آنکه بتواند به ژرفای پس آنها نفوذ کند. نکته دوم، «همه‌جانبه‌نگری» است. اندیشه‌ای می‌تواند معاصرت خود را حفظ کند که به پیوند حیطه‌های به هم پیوسته پی ببرد و بر این آگاه باشد که هر فهم و درکی از مسائل، روی دیگر قلمروهای اندیشه، چه در ساحت نظر و چه در ساحت عمل، مؤثر است. اندیشمندی که یک جنبه و بریده از این نسبت‌ها بیندیشد، دچار یکسو نگری می‌شود و شتاب زده به جمع‌بندی‌هایی دست می‌زند؛ این جمع‌بندی‌ها غالباً خالی از افراط‌ها و تفریط‌ها نیستند.

ویژگی سوم، «آیند نگری» است. افق دید مرحوم شهید آیت‌الله بهشتی بلند است. مسائل روزمره را هم در پرتو این دید بلند می‌بیند و این ویژگی موجب می‌شود که بسیاری از موضوعاتی که ایشان بدان پرداخته، به نحو شگفت‌آوری از زمانه‌ای که



“

طی دهه اخیر با نسلی روبه‌رو هستیم که می‌کوشد شهید بهشتی را دوباره بازشناسی کند و این بار بیشتر بر «افکار» او متمرکز است. استقبال بخشی از نسل جوان ما از افکار او، دیگر با علاقه‌ای تاریخی و نوستالژیک گره نخورده، بلکه همراه با نگاهی نقادانه و پرسش‌گرانه است. روی آوردن دوباره نسل جوان به آثار شهید بهشتی از این جهت پدیده جالبی است که روح جست‌وجوگری در بخش‌هایی از این نسل دوباره در حال سربرآوردن است

او، دیگر با علاقه‌ای تاریخی و نوستالژیک گره نخورده، بلکه همراه با نگاهی نقادانه و پرسش‌گرانه است و به نظر من تنها اندیشه‌ای می‌تواند پس از نبود پدید آورنده‌اش همچنان نقش ایفا کند که در جریان آزمون‌ها و نقدها همچنان قوت و

توانمندی خود را حفظ کند. البته این در صورتی است که یک اندیشه پُن‌مایه‌های سلامت فکری و صداقت و فراغت از

خودبزرگ بینی‌ها و عقده‌گشایی‌ها مجال هر چه بیشتر نزدیک شدن به آنها را می‌دهد و معاصرت گفت‌وگو با آنها را ممکن می‌سازد. روی آوردن دوباره نسل جوان به آثار شهید بهشتی از این جهت پدیده جالبی است که روح جست‌وجوگری در بخش‌هایی از این نسل دوباره در حال سربرآوردن است و از این جهت مایه امیدواری و خرسندی است.

■ میراث شهید بهشتی برای نسل امروز ما چیست؟

جسارت جست‌وجوگری و مجال اندیشه آزاد در عین پایبندی به ارزش‌های انسانی و دینی که در افکار شهید بهشتی دیده می‌شود، میراث گرانبزاری است که خود به خود جای خود را باز می‌کند و می‌تواند محرکی برای حرکت فکری مستقل این نسل باشد.

در آن می‌اندیشیده، فراتر باشد، به‌طوری که امروزه وقتی آنها را می‌خوانیم و می‌شنویم، احساس می‌کنیم که او گویی هم‌اکنون با این مسائل روبه‌رو است. شهید بهشتی در عین میناداری در اندیشه، در قبال آینده آغوشی گشوده دارد.

■ چهارمین ویژگی «تعال و انصاف» است. پرهیز شهید بهشتی از افتادن به برخورد‌های مجادله‌آمیز و حفظ حریم اندیشه‌ها و افراد و انصاف بالای او و آمادگی‌اش برای نقد و تصحیح پذیری اندیشه‌هایش مثال‌زدنی است. مرحوم شهید بهشتی روح جست‌وجوگری را در خود زنده نگه داشته بود.

■ نوع مواجهه نسل امروز با آرا و آثار آیت‌الله بهشتی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما طی سال‌های اخیر با پدیده جالبی روبه‌رو هستیم که در نوع خود بسیار قابل توجه است. اگر نسل‌های سه دهه آغازین انقلاب با خاطره‌هایی هر چند ارزشمند و همراه با عواطفی محبت‌آمیز نسبت به چهره‌ای همچون شهید بهشتی، به او نزدیک می‌شدند، طی دهه اخیر با نسلی روبه‌رو هستیم که می‌کوشد شهید بهشتی را دوباره بازشناسی کند و این بار بیشتر بر «افکار» او متمرکز است.

استقبال بخشی از نسل جوان ما از افکار

“

از وارثان فکری شهید بهشتی متأسفانه امروز از هیچ کسی به‌طور مشخص نمی‌توان نام برد. البته افرادی همچون سید محمد خاتمی و تاحدی هم محمد مجتهد شبستری را می‌توان در زمره وارثان فکری او قلمداد کرد. واقعیت این است که شهید بهشتی در روزگار ما وارثان چندانی ندارد. علت آن هم نوآوری بسیار بالای او و ظرفیت وجودی خاصش بود؛ او ذکاوت و هوشیاری منحصر به فردی داشت. به همین دلیل جلوتر از زمان خودش فکر و حرکت می‌کرد. از این رو، بهشتی را نه تنها می‌توان متفکر معاصر ما که بدرستی باید متفکر آینده جامعه ما قلمداد کرد، او پروژه‌ای ناتمام است

۷ برای حل مسائل امروز و آینده جامعه‌مان باید به اندیشه‌های شهید بهشتی برگردیم. چون تنها کسی که توانسته از دل حوزه‌های علمیه قم با فلسفه و کلام اسلامی به سمت فلسفه و کلام غربی برود و آن را در عمق خود درک و در جامعه به شکل «حقوق»، «قانون» و «فقه» بازتولید کند؛ بی‌شک تنها آیت‌الله شهید بهشتی است. او در این زمینه‌ها منحصر به فرد است. او متفکری کنشگر بود که ضمن نقش‌آفرینی در عرصه اندیشه‌ورزی، به سیاست و حقوق هم ورود کرد و فقط در گویش ماند و به کنش هم پرداخت.

نمی‌فهمید. کاری که آیت‌الله بهشتی کرد حتی روشنفکران هم نتوانستند در بعد اسلام‌شناختی و غرب‌شناختی انجام دهند. بهشتی سعی می‌کرد غرب را خیلی عمیق بفهمد. به همین دلیل آلمانی، فرانسه، انگلیسی و عربی را بشدت می‌خواند و متون اصیل آنان را ترجمه می‌کرد.

درک و بسط اندیشه‌های ایشان چندان مسأله امروز حوزه و دانشگاه ما نیست و متأسفانه حوزه ما امروز با اندیشه‌های ایشان بسیار فاصله دارد. واقعیت این است که حتی دانشگاه هم از اندیشه‌های ایشان فاصله گرفت و غریزه شد.

وارثان چندانی ندارد. علت آن هم نوآوری بسیار بالای او و ظرفیت وجودی خاص‌اش بود؛ او ذکاوت و هوشیاری منحصر به فردی داشت. زمانی که در آلمان اقامت داشت شبانه روز متن‌های اصیل و مرجع را به زبان اصلی می‌خواند و ترجمه می‌کرد. او جلوتر از زمان خودش بود. از این رو، بهشتی را نه تنها می‌توان متفکر معاصر ما دانست بلکه بدرستی باید متفکر آینده جامعه ما قلمداد کرد، او پروژه‌ای ناتمام است.

۵ در منظومه فکری شهید بهشتی بخش «کلام میان فرهنگی» بسیار می‌تواند برای سرون رفت ما از مسائل و مشکلات امروزان راه‌گشا باشد. از این‌رو باید اندیشه او را سرمشق قرار دهیم تا بتوانیم در عمل هم همچون او گام برداریم. ما امروز در حوزه علمیه، کلام اقتصادی، سیاسی و میان فرهنگی نداریم. برای مثال در چارچوب کلام اسلام و تشیع، رابطه عدالت و آزادی، زندگی روزمره و...

تبيين نشده است. بهشتی می‌توانست در مورد همه اینها بحث کند و همه اینها را به فقه ببرد. فقه امروز ما تقلیلی است؛ تقلیل یافته به موارد طهارت‌ها و نجاست‌ها است. اگر چارچوب‌های فکری و تئوریک اندیشه شهید بهشتی برای نسل امروز بیشتر روشن شود، تعاملات میان فرهنگی بین ما و اهل سنت و مسیحیت و یهودیت حل می‌شود. اما متأسفانه اندیشه و منش فکری آیت‌الله بهشتی به حاشیه رانده شده است.

۶ واقعیت این است که وقتی انقطاع در اندیشه یک متفکر اتفاق می‌افتد که توسط جامعه‌اش درک نشود. جامعه ما در آن دوره بهشتی را

تأسیسی برای کلام اسلامی ایجاد کرد یا خیر؟

زمانی که به ایران بازمی‌گردد طرح «شناخت اسلام» را می‌نویسد و سعی می‌کند یک مبنای کلامی برای اسلام بنویسد و با همکاری شهید باهنر، کتاب‌های دینی دوره شاه را می‌نویسند و اینچنین می‌کوشد تا یک علم تأسیسی دینی بنا کند. از اینجا به بعد تحول دینی شروع می‌شود.

با وارد کردن کلام میان فرهنگی در عرصه جامعه بشدت سعه صدر ایشان هم بالا رفت و نسبت به اندیشه‌های چپ، مجاهدین خلق، نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز و... گشودگی و سعه صدر بالایی پیدا کرد و اگر آیت‌الله بهشتی می‌بود شاید بسیاری از تندرهای بعد از انقلاب اتفاق نمی‌افتاد و هیچ جنگی بین سوسیالیسم و اسلام شکل نمی‌گرفت.

۳ شهید بهشتی همچنین کوشید قانون اساسی را که بر اساس اصول سکولاریسم و لانیسیسم فرانسه نوشته شده بود، بازنویسی و بر اساس کلام

میان فرهنگی، فقه میان فرهنگی را هم تأسیس کند. پروژه فکری شهید بهشتی این بود که از کلام به سوی فقه حرکت کند و فقه را از حالت تقلیلی و اصغر به فقه اکبر بدل نماید، اما متأسفانه پروژه فکری او ناتمام ماند.

۴ از وارثان فکری شهید بهشتی متأسفانه امروز از هیچ کسی به‌طور مشخص نمی‌توان نام برد. البته افرادی همچون سید محمد خاتمی و تاحدی هم محمد مجتهد شبستری را می‌توان در زمره وارثان فکری او قلمداد کرد. واقعیت این است که شهید بهشتی در روزگار ما



عکس: نورالله شفیق/سینما

آیت‌الله بهشتی پروژه‌ای ناتمام است

کلام می‌رسد.

دکتر «بهشتی» در تمام آثارش، چارچوب‌های کلامی تشیع را در جهان

جدید دنبال می‌کند. «علم کلام» علم ارتباطی دین است. دین در مواجهه با بهشتی از فلسفه به علم کلام و از آن به فقه رسید. فلسفه‌ای که ایشان به آن باور دارد، عرفان فلسفی شده ملامت‌را نیست بلکه او بشدت به دنبال چارچوب‌های کلان فلسفی جهان است به همین دلیل

دکتر ابراهیم فیاض

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۱ شهید بهشتی اهل اصفهان بود. گویا هر کس فلسفه خوانده، به نوعی از اصفهان گذر کرده است؛ از بوعلی سینا گرفته تا سهروردی و... شهید بهشتی در «محلّه لنیان» زندگی می‌کرد که هنوز هم از محله‌های مهم و اساسی اصفهان محسوب می‌شود. از این‌رو می‌توان گفت که او خاستگاهی فلسفی دارد. او از عقلانیت اصفهانی شروع می‌کند و به علم